

## راهبردها و راهکارهای ارتقاء بخش خیریه

mostafakazemi@rihu.ac.ir

srhoseini@rihu.ac.ir

ک.مصطفی کاظمی نجف‌آبادی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سیدرضا حسینی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

### چکیده

شواهد تاریخی صدر اسلام و روایات عصر ظهور، حاکی از امکان‌پذیری وقوع تعادل میان عرضه و تقاضای وجوه تکافلی و بلکه امکان وجود مازاد عرضه به‌عنوان وضعیت مطلوب، در این بخش است. در مقابل، مطالعه وضعیت موجود کشور، حاکی از وجود عدم تعادل و بلکه وجود مازاد تقاضای این وجوه است. مسئله این تحقیق، که با روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی چگونگی اصلاح و بهبود وضعیت موجود بخش خیریه ایران و معرفی راهبردهایی برای دستیابی به وضعیت مطلوب است. نتایج تحلیل آموزه‌های قرآنی و حدیثی و فراتحلیل مطالعات پیمایشی موجود، حاکی از وجود راهبردهایی چون: «گفتمان‌سازی انفاق قرآنی»، «توسعه‌بخش خیریه»، «بهبودبخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه» و «بهبودبخشی به کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه» برای ارتقای خیریه در کشور است. برای تحقق هریک از این راهبردها، راهکارهای جزئی و عملیاتی همچون حرفه‌ای کردن بخش خیریه، فراهم آوردن امکان مدیریت تخصیص وجوه توسط نیکوکاران، با گسترش تبلیغات و تحریک انگیزه‌ها قابل ارائه است.

کلیدواژه‌ها: بخش خیریه، تکافل اجتماعی، عرضه وجوه خیر، تقاضای وجوه خیر، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: L31, Z19, DOI

امروزه پس از ناکامی دولت‌ها و بخش خصوصی، در درمان فقر و محرومیت، نقش بخش غیرانتفاعی، یا بخش سوم اقتصاد به صورت روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۴۰). در حال حاضر، تعداد مراکز خیریه در کشور به بیش از ۱۵ هزار رسیده است. با توجه به روحیه خیرخواهانه مردم و فعالیت تعداد زیاد مراکز خیریه در کشور، انتظار می‌رود که روزبه‌روز از تعداد نیازمندان کم شود. باین‌حال، فعالیت این مراکز نتوانسته آن‌گونه‌که باید و شاید مرهمی بر زخم‌های نیازمندان باشد؛ زیرا سازوکار مشخصی برای شفاف عمل کردن مراکز خیریه در کشور تعریف نشده است؛ مدیریت یکپارچه‌ای بر آنها نظارت نمی‌کند و مجوز آنها از سوی دستگاه‌های متعددی چون سازمان اوقاف، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و استانداری‌ها صادر می‌شود. در حال حاضر، بر تعداد زیادی از مراکز خیریه هیچ نظارتی وجود ندارد. فقدان نظارت کافی بر مؤسسه‌های خیریه موجب شده تعدادی از آنها تحت پوشش فعالیت‌های خیرخواهانه به سودجویی بپردازند. از این‌رو، مردم در شناسایی مؤسسه‌های خیریه قانونی دچار مشکل می‌باشند. همچنین، این امر موجب موازی‌کاری بین آنها و ضایع شدن حق نیازمندان واقعی شده است؛ زیرا تعدادی از فرصت‌طلبان با مراجعه به تعداد زیادی از مؤسسه‌های خیریه، از حمایت‌های آنها استفاده می‌کنند.

فقدان قوانین شفاف و مشخص ناظر به نحوه عملکرد نهادهای خیریه، از دیگر مشکلاتی است که جامعه از آن رنج می‌برد. وراثتی بودن مدیریت در این نهادها نیز مشکلی جدی فراروی این بخش تلقی می‌شود. همچنین، فقدان اطلاعات کافی راجع به ورودی و خروجی نهادهای خیریه (گردش مالی)، یکی دیگر از مشکلات است. در حالی که شفافیت مالی مؤسسه‌های خیریه، زمینه‌ساز توسعه مشارکت‌های مردمی است. با از میان رفتن این اشکالات، مؤسسات خیریه می‌توانند مأموریت اصلی خود را بهتر ایفا کنند. برخی از محققان، یکی از راه‌های کاهش این‌گونه مشکلات را تشکیل شبکه ملی مؤسسات خیریه و ساماندهی بخش خیریه کشور می‌دانند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

در جامعه اسلامی ایران، با وجود فعالیت مراکز مردم‌نهاد در زمینه اشاعه کارهای خیر و فعالیت نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی همچون کمیته امداد، بهزیستی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ هنوز سیمای زشت فقر و تکدی‌گری و بیکاری از چهره شهرها بخصوص کلان‌شهرها زدوده نشده است. از این‌رو، بررسی اینکه وضعیت موجود کشور، در عرضه و تقاضای وجوه خیر چگونه است؟ وضعیت آرمانی و مطلوب عرضه و تقاضا در بخش خیرخواهی، چه توصیفاتی دارد؟ با اتخاذ چه راهبردهایی می‌توان فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را کاهش داد و برای عملیاتی کردن این راهبردها، چه راهکارهایی را باید دنبال نمود؟ حائز اهمیت بسیاری است که این مقاله تلاش می‌کند، تا برای آنها پاسخی مناسب بیابد.

شبکه، تنها راه حل مشکلات نهادهای خیریه کشور را ایجاد شبکه ملی نهادهای خیریه دانسته‌اند. مرتب و یابری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چگونگی نظارت کارآمد بر نهادها و فعالیت‌های خیریه» بر این باور است که باید مردم با شاخص‌های شفافیت آشنا شوند و مورد وثوق‌ترین خیریه‌ها از لحاظ عملکرد به مردم معرفی شوند. حیدری و درخشان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کارکردهای بخش سوم (امور خیریه و نیکوکاری)، در توسعه اقتصادی و اشتغال، الگوی توسعه اشتغال محلی - منطقه‌ای»، با استفاده از ظرفیت بخش سوم را مشتمل بر پنج مرحله زیرساخت‌ها و هماهنگی‌ها، مطالعات و ارتباطات، برنامه‌ریزی و ابزارها، تأمین مالی و اجرا و بازخورد اصلاح معرفی نمودند و تمامی مراحل را با تأکید بر بخش خیریه توضیح داده‌اند.

نکویی مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش مؤسسات خیریه در نظام سلامت؛ یک مطالعه کیفی»، معتقدند که در مؤسسات خیریه‌ای که به نظام سلامت اختصاص دارند، موضوعات بهداشتی در اولویت آنها نبوده و این امر مهم در فعالیت‌های مؤسسه‌ها نادیده گرفته شده است. حسن‌زاده سروستانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت‌های خیرین»، تلاش کرده‌اند تا فرایند تأمین مالی جمعی برای حمایت از نیازمندان را به صورت روشمند بیان کنند.

مهدوی و طغیانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های ارزیابی عملکرد بخش وقف و خیریه»، با استفاده از کارت امتیاز متوازن، معتقدند: بخش وقف و خیریه را می‌توان از جهت کمیت و کیفیت خدماتی که ارائه می‌دهند، مورد ارزیابی قرار داد. یکی از مدل‌هایی که جنبه‌های گوناگون کمیت و کیفیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، کارت امتیاز است. عظیم‌زاده اردبیلی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش وقف و امور خیریه و داوطلبی بر فرایندهای اجتماعی»، بر ترویج فرهنگ وقف و حضور داوطلبانه مردم در نهادهای خیریه و کمک نظام تقنینی، قضایی و مدنی از مؤسسات وقفی و خیریه تأکید کرده و خواستار اصلاح و بازنگری در قوانین حمایتی در این خصوص و یکپارچه‌سازی نهادهای خیریه شده‌اند.

حسینی و کاظمی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی»، تلاش کرده‌اند تا از منظر اقتصاد اسلامی عرضه و تقاضای وجوه تکافلی و عوامل مؤثر بر آنها را تحلیل کرده و تعادل در این بخش را با استفاده از ابزار تحلیل، نمودار و ریاضیات تشریح کنند. در این مقاله، تلاش می‌شود تا راهکارها و راهبردهایی که می‌تواند فاصله وضعیت موجود از وضعیت مطلوب را کاهش داده و بخش خیریه را به تعادل نزدیک کند، تبیین گردد.

### وضعیت مطلوب در بخش خیریه

با توجه به مستندات تاریخی و روایی، رسیدن به وضعیت مطلوب در بخش خیریه، به معنای برابری عرضه و تقاضای وجوه خیر، بلکه فزونی عرضه بر تقاضا، دور از ذهن نیست. در اینجا، پیش از ارائه گزارشی از وضعیت موجود، سعی می‌شود تا وضعیت مطلوب مورد انتظار اسلام از لحاظ کمی و کیفی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا بتوان با مقایسه این دو وضعیت، راهبردها و راهکارهایی برای کاهش فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود ارائه کرد.

## وضعیت مطلوب به لحاظ کیفی

بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث، بیش و پیش از آنکه کمیت بخشش مورد توجه قرار گیرد، باید کیفیت آن مورد توجه قرار داد. قرآن تأکید می‌کند که بر اثر عواملی مانند بی‌ایمانی، منت‌گذاری و ریا (بقره: ۲۶۴)، تمامی اجر و بهره‌مندی از انفاق از بین خواهد رفت. اهم ویژگی‌های انفاق مطلوب از منظر سیره اهل بیت علیهم‌السلام عبارتند از:

۱. اخلاص در نیت: اخلاص در نیت انفاق و انجام آن به‌عنوان یک عبادت خداوند، مهم‌ترین رکن کیفیت اعطای وجوه خیریه است. درجه‌اعلای این ویژگی متعلق به خاندان نبوت است که خدای متعال، با نزول آیاتی از سوره دهر، عمل آنان را ستوده است: «إِنَّمَا نَطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان: ۹)؛ یکی از نشانه‌های خلوص نیت انفاق حفظ محرمانگی اطلاعات نیازمندان است. برای محافظت بر این اصل، اهل بیت علیهم‌السلام انفاق به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمندان آبرومند را در تاریکی‌های شب و به‌گونه‌ای انجام می‌دادند که احدی جز خدای متعال بر آن اطلاع پیدا نکند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶، کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۶۸).

۲. رعایت عزت نفس و کرامت نیازمندان: اگر انفاق را به‌عنوان یک عمل عبادی که انفاق‌کننده به پاس نعمت و کرامتی که خدای متعال به او ارزانی داشته و به‌عنوان مأموریتی که به‌عنوان جانشین خداوند برای تکریم بندگان خدا بر عهده‌اش نهاده شده است، انجام می‌دهد در نظر بگیریم و نه یک عمل انتقال درآمد صرف، آن‌گاه ماهیت انفاق چیزی جز تکریم نیازمند نخواهد بود. از این رو، انفاق باید به‌گونه‌ای انجام شود که از هر جهت، تکریم نیازمند شمرده شود. نشانه‌های رعایت این اصل در انفاق اهل بیت علیهم‌السلام چنین بود که اولاً، انفاق به نیازمندان را غالباً شخصاً و بدون واسطه انجام می‌دادند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳؛ کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۶۸). ثانیاً، قبل از درخواست سائل به او اعطای می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۰۹)، یا دستور به نگارش درخواست می‌دادند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۵۲۳)، یا از پشت پرده می‌بخشیدند (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۳) و یا صدقه را پنهانی پرداخت می‌کردند (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۳). ثالثاً، هیچ‌گاه سائلی را رد نمی‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۲۹؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ص ۶۹۲). رابعاً، با گشاده‌روی و مهربانی با نیازمندان مواجه می‌شدند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۲۹؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ص ۶۹۲). خامساً، به‌اندازه رفع کامل نیاز و بلکه بیشتر از آن مقدار به نیازمند اعطاء می‌فرمودند (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۶). در تعیین میزان انفاق به شأن و منزلت علمی و معنوی نیازمندان توجه می‌کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۵۲۳؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۰). سادساً، ضمن ایفای نقش هدایتگری، با کلمات حکیمانه و عطایی مختصر با متکدیان حرفه‌ای برخورد می‌کردند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ص ۶۷۹).

۳. رعایت پاکیزگی و پاک‌دستی: از آنجاکه انفاق مطلوب یک عمل خیرخواهانه و عبادت خدای متعال است، باید هرگونه شائبه ناپاکیزگی مادی و معنوی از ساحت آن زدوده شود. قرآن کریم، از انفاق اموال نامرغوب (خبیث) نهی کرده و بر انفاق در اموال پاکیزه (طیبات) (بقره: ۲۶۷) و دوست داشتنی (أل عمران: ۹۲) امر می‌کند. طیب بودن مال، مستلزم این است که هم به لحاظ مطبوع بودن و هم به لحاظ حلال بودن، شرایط لازم را داشته باشد. افزون‌براین،

با منطق قرآنی شرط قبولی اعمال خیرخواهانه پرهیزگاری دست‌اندرکاران امر خیر نیز هست. «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷). رعایت این اصل، مستلزم این است که بر متصدیان مؤسسات خیریه و فعالیت‌ها و اموالی که توسط آنها جابه‌جا می‌شود، نظارت دقیق تری صورت گیرد.

### وضعیت مطلوب به لحاظ کمی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، وضعیت مطلوب رفاهی در جامعه اسلامی، با تأمین حد کفاف معیشت برای آحاد مردم و فراهم شدن شرایط حیات طیبه اجتماعی و زمینه رشد فضایل اخلاقی و تکامل معنوی آحاد جامعه تحقق پیدا می‌کند. فقر و محرومیت از موانع عمده چنین وضعیتی است که باید از چهره جامعه اسلامی زدوده شود. واژه «فقر» در ادبیات اسلامی، هم به لحاظ انواع نیازها و هم به لحاظ سطح حمایت و تأمین آنها توسط جامعه، دامنه گسترده‌ای دارد که در نصوص روایات با عباراتی از قبیل «بِقَدْرِ مَا يَسْتَغْنُونَ بِهِ فِي سَتِّهِمْ بِلَا ضَيْقٍ وَلَا تَقْتِيرٍ» (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۳۰) از آن یاد شده است. بنابراین حد مطلوب رفع فقر و محرومیت در جامعه اسلامی، وضعیتی است که نیازهای معیشتی آحاد جامعه در حد سطح عمومی زندگی تأمین گردیده و فقر به معنای گسترده آن، از میان برداشته شود.

توصیفاتی که از عصر ظهور شده، حاکی از این است که در عصر ظهور، بخش تکافل نه تنها به نقطه تعادل، بلکه به نقطه مطلوب خواهد رسید. به گونه‌ای که افراد برای پرداخت زکات خود، دریافت‌کننده‌ای را نمی‌یابند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۱). پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه اموال در مردم به قدری فزونی یابد که اشخاص برای پرداخت صدقات خود، نیازمندی را نمی‌یابند تا به او پرداخت کنند». امام صادق ﷺ فرمود: «قسم به خداوند، در زمان ظهور به فضل خداوند و ویش مردم به قدری از لحاظ مالی مستغنی خواهند شد که افراد برای هزینه کردن صدقات خود، شخص مستحقی را نمی‌یابند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۱۷، ح ۱۴۶).

سوابق تاریخی نیز حاکی از این است که با تلاش‌های پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان صدر اسلام، حوزه تکافل اجتماعی به وضعیت تعادل و بلکه مزاد عرضه رسیده بود. در حدیث/بوسعید خدری آمده است: «رسول خدا ﷺ در مورد اقسام مال و مسئولیت افراد در قبال دیگران، آنچنان صحبت فرمود که ما به این نتیجه رسیدیم که هیچ حقی در مورد اموال اضافه خود نداریم و آن را باید در راه خدا و مصالح مردم مورد استفاده قرار دهیم» (محمدی ری شهری و حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵). پیامبر اکرم ﷺ وضعیت مطلوب از دیدگاه خود را با تحسین کردن سنت متداول بین اشعریین، مبنی بر تجمیع اموال و تقسیم آن به شکل مساوی، هنگام کشته شدن یا تنگدستی یکی از افراد این گروه، ابراز کرد، و فرمودند: «آنان از من و من از آنان هستیم» (ر.ک: قرضاوی، ۱۳۹۰، ص ۵۵۲). این تربیت‌ها، روابط انسانی بین مهاجران و انصار را به قدری عمق بخشید که در سال ۴ هجری، به هنگام تقسیم اموال و زمین‌های بنی‌نضیر، انصار به رسول خدا ﷺ پیشنهاد دادند که غنایم را فقط میان مهاجران تقسیم کند؛ بدون آنکه آنها ملزم به برکت منازل انصار شوند. به برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی آن حضرت، وضعیت همه مهاجران بهبود پیدا کرد، به گونه‌ای که در اواخر سال‌های عمر پربرکت ایشان، همگی مسکن، شغل و وضعیت رفاهی مناسبی

پیدا کردند (ر.ک: صدر، ۱۳۸۷، ص ۴۴). این بهبود به گونه‌ای بود که در سال هشتم هجری با توانمند شدن جماعتی از مسلمانان، فریضه زکات تشریح گردید. به مرور زمان، از تعداد فقرا کم و بر تعداد کسانی که توانایی پرداخت زکات را پیدا می‌کردند، افزوده می‌شد تا اینکه از زمان خلیفه دوم به بعد، در اکثر نقاط حاکمیت اسلامی، حتی در منطقه دورافتاده‌ای مانند یمن در جنوب شبه جزیره، مستحقی برای اعطای زکات پیدا نمی‌شد. بر پایه روایت/بوعبید، معاذ بن جبلی که از سوی پیامبر اسلام ﷺ به امارت یمن اعزام شده و تا زمان عمر در این سمت ابقا گردیده بود، یک سال برای صرف یک سوم زکات جمع‌آوری شده، مستحقی نیافت ناچار آن را به مدینه نزد خلیفه فرستاد. در سال بعد، معاذ نیمی از زکات را به مرکز فرستاد. در سال سوم، وی همه زکات جمع‌آوری شده را ارسال کرد. با این استدلال که برای دریافت آنها کسی را پیدا نکرده است (قرضاوی، ۱۳۹۰، ص ۵۲۸).

اگر چه در زمان خلیفه سوم به دلیل فاصله گرفتن جامعه از سنت‌های صحیحی که پیامبر ﷺ بنا گذاشته بود، محرومیت و شکاف طبقاتی مجدداً به مسلمانان نزدیک شد، اما امام علیؓ با احیای سیره و سنت نبوی، چهره دهشت‌انگیز فقر را تا آنجا عقب راند که خود فرمود: «در دوران حکومت من هیچ کس در کوفه شب را به روز نمی‌رساند، مگر اینکه زندگی آسوده‌ای دارد؛ فروپایه‌ترین مردم نان گندم می‌خورد، سایبانی دارد و آب گوارا می‌نوشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷). همچنین، در دوره حکومت عمر بن عبدالعزیز، مردم به قدری بی‌نیاز شده بودند که کسی برای بخشش اموال خود، نیازمندی را پیدا نمی‌کرد (قرضاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۲ و ۱۵۳). از این رو، وی به والی عراق دستور داد تا مبالغ مازاد بیت‌المال را در راه پرداخت دیون مقروضین، تهیه جهیزیه، پرداخت مهریه، پرداخت جزیه و خراج و پیش‌خرید محصولات کشاورزی هزینه کند (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۶۵).

عمر بن عبدالعزیز، طی نامه‌ای در پاسخ به سؤال برخی استانداران راجع به پرداخت دیون بدهکاران از بیت‌المال، در فرض فقدان فقیر، نوشت: «هریک از مسلمانان باید از مسکن و سرپناهی مناسب، خدمتکار و اسبی برای رفت‌وآمد و جهاد و وسایل کافی برای منزل برخوردار باشد. چنانچه این‌گونه اشخاص دچار بدهکاری گردیدند، بدهکاری آنان را پرداخت کنید» (قرضاوی، ۱۳۹۰، ص ۵۰۰، به نقل از: ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ص ۵۵۶).

### وضعیت موجود عرضه و تقاضای وجوه خیریه در کشور

تحلیل عرضه و تقاضای وجوه خیریه در کشور، حاکی از این است که در کشور، مازاد تقاضا وجود داشته و تعادل بخشی به عرضه و تقاضا در گرو کاهش تقاضا و افزایش عرضه خواهد بود. با توجه به فقدان اطلاعات در خصوص آمار مرتبط به این حوزه، نمی‌توان تحلیل دقیق و تبیین روشنی از عرضه و تقاضای وجوه خیر در کشور ارائه داد. اما می‌توان مستند به شواهدی که در ادامه بیان خواهد شد، تصویری از عدم تعادل عرضه و تقاضای وجوه خیر در کشور ارائه نمود.

### الف. عرضه وجوه خیر

در عرضه وجوه خیر، اگرچه آمار دقیق و قابل استنادی که تمامی این بخش را دربرگیرد، وجود ندارد؛ اما شواهد موجود حاکی از کمبود عرضه در بخش خیرخواهی است. تحقیقات انجام گرفته برای ۱۶ کشور منتخب، حاکی از

این است که متوسط جهانی سهم بخش سوم اقتصاد در تولید ناخالص داخلی (GDP)، برای این کشورها معادل ۴/۵ درصد است (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). در مقاله جهانیان، سهم بخش غیرانتفاعی از GDP، در وضعیت مطلوب ۱۰ درصد و سهم بخشش به نیازمندان، حدود ۲ درصد تخمین زده شده است (جهانیان، ۱۳۹۵). برآوردهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری) در سال ۲۰۱۷ میلادی اقتصاد ایران معادل ۴۳۱ میلیارد و ۹۲۰ میلیون دلار است که با نرخ دلار ۴۱،۷۹۰ معادل ۱۸،۰۴۹،۹۳۶،۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال خواهد بود. اگر متوسط ۲ درصد برای ایران نیز نسبتی منطقی و قابل قبولی باشد، آن‌گاه در ایران در وضعیت مطلوب، باید سهم بخشش به نیازمندان به‌طور متوسط معادل ۳۶ هزار میلیارد تومان باشد. درحالی‌که شواهد موجود حاکی از این است که عرضه و جوجه خیر در ایران، با این عدد فاصله بسیار زیادی دارد و باید در این خصوص، چاره‌اندیشی‌های مناسبی توسط مسئولان امر انجام پذیرد. در ادامه، تلاش می‌شود تا به برخی از این شواهد اشاره گردد.

شاهد اول: به اذعان کارشناسان، سهم کمیته امداد امام خمینی<sup>۱۰</sup> بزرگترین و فعال‌ترین نهاد خیریه شبه دولتی، از کل عرضه و جوجه خیریه در کشور، تنها ۱۵ درصد است و ۸۵ درصد باقیمانده، سهم مؤسسات خیریه دیگر است (طغیانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۹-۲۸۰). اگر این نسبت را صحیح تلقی کنیم، می‌توان ادعا کرد که با توجه به اینکه مبالغ اعطا شده به کمیته امداد امام خمینی<sup>۱۰</sup> در سال ۱۳۹۷، معادل ۳ هزار میلیارد تومان بوده است (سایت رسمی امداد امام)، این مبلغ برای سایر مؤسسات خیریه حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان است و سر جمع میزان بخشش در کشور حدود ۲۰ هزار میلیارد خواهد بود.

شاهد دوم: بنیاد کمک به خیریه‌ها (CAF)، هر ساله گزارش شاخص جهانی بخشش را با نگرشی کلی، به روندهای بخشش منتشر می‌کند. این شاخص، با سه معیار بخشش به غریبه‌ها، بخشش پولی و بخشش زمان و با روش نمونه‌گیری تصادفی کشورهای مختلف را هر سال از نظر میزان بخشندگی رتبه‌بندی می‌کند. جدول ۱، از مطالعه مجموعه کتاب‌های منتشر شده از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به‌دست‌آمده است، حاکی از این است که ایران در طی این سال‌ها نتوانسته جایگاه مناسبی را در زمینه بخشندگی کسب کند. اگر چه بخشی از این ضعف رتبه، ناشی از فقدان شفافیت اطلاعات بخشندگی در ایران است؛ اما می‌تواند بر کمبود عرضه در بخش خیرخواهی شهادت دهد.

جدول ۱. رتبه جهانی ایران در شاخص جهانی بخشش

سال	رتبه کل	شاخص کل	رتبه بخشش به غریبه‌ها	شاخص بخشش به غریبه‌ها	رتبه بخشش پولی	شاخص بخشش پولی	رتبه بخشش زمان	شاخص بخشش زمان
۲۰۱۴-۲۰۱۰	۱۴	۴۶٪	۶۱٪	۵۲٪	۲۳٪	۲۳٪	۲۳٪	۲۳٪
۲۰۱۴	۱۹	۴۶٪	۶۲٪	۵۲٪	۲۰٪	۵۰٪	۲۳٪	۲۳٪
۲۰۱۵	۳۲	۴۳٪	۶۹٪	۵۰٪	۲۳٪	۵۴٪	۵۵٪	۲۳٪
۲۰۱۶	۴۵	۴۱٪	۶۶٪	۵۳٪	۲۹٪	۴۸٪	۶۵٪	۲۱٪
۲۰۱۷	۱۷	۴۵٪	۶۱٪	۵۰٪	۲۳٪	۵۰٪	۴۰٪	۲۵٪
۲۰۱۸	۲۹	۴۵٪	۶۱٪	۵۳٪	۲۴٪	۵۳٪	۷۰٪	۲۰٪

(منبع: مجموعه کتاب‌های شاخص جهانی بخشش سال‌های ۱۸-۲۰۱۴)

ب. تقاضای وجوه خیر

در اینجا هم شواهد فراوانی وجود دارد که بیانگر تشدید فقر در ایران و افزایش تقاضای وجوه خیرخواهی است. در ادامه، تلاش می‌شود تا به اختصار برخی از این شواهد بیان شود.

شاهد اول: آمار درآمد، هزینه خانوارهای ایرانی، که توسط مرکز آمار (<https://amar.org.ir>) منتشر می‌شود، حاکی از وضعیت نامطلوب توزیع درآمد در کشور و افزون بودن فقرا بر اغنیا است. در ذیل به برخی از این آمار اشاره می‌گردد.

جدول ۲. درصد ثروتمندترین به درصد فقیرترین جمعیت در کل کشور سال‌های ۹۶-۱۳۹۵

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶
سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین جمعیت	۱۲/۹۹	۱۲/۶۵
سهم بیست درصد ثروتمندترین به بیست درصد فقیرترین جمعیت	۷/۶۱	۸/۰۰
سهم چهل درصد ثروتمندترین به چهل درصد فقیرترین جمعیت	۴/۱۰	۴/۲۶

(منبع: مرکز آمار ایران)

جدول ۳. سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک در سال‌های ۹۶-۱۳۹۵ کل کشور - (دهک وزنی)

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶
سهم دهک اول	۰/۰۲۲۷	۰/۰۲۲۹	سهم دهک ششم	۰/۰۸۰۹	۰/۰۸۰۳
سهم دهک دوم	۰/۰۳۳۶	۰/۰۳۶۲	سهم دهک هفتم	۰/۰۹۷۳	۰/۰۹۶۷
سهم دهک سوم	۰/۰۴۷۷	۰/۰۴۶۴	سهم دهک هشتم	۰/۱۲۰۱	۰/۱۲۰۵
سهم دهک چهارم	۰/۰۵۷۷	۰/۰۵۶۳	سهم دهک نهم	۰/۱۸۲/۱۵	۰/۱۶۰۳
سهم دهک پنجم	۰/۶۸۴	۰/۰۶۷۶	سهم دهک دهم	۰/۳۰۸۶	۰/۳۱۲۷

(منبع: مرکز آمار ایران)

جدول ۴. ضریب جینی سال‌های ۹۶-۱۳۹۵ کل کشور - (دهک وزنی)

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶
ضریب جینی	۰/۳۹۰۰	۰/۳۹۸۱

(منبع: مرکز آمار ایران)

شاهد دوم: شاهد دیگری که به‌طور تولیجی عدم تعادل درآمد، هزینه بخش اعظم خانوارهای ایرانی را نشان می‌دهد، مطالعات صورت گرفته برای خوشه‌بندی خانوارها در طرح هدفمندی یارانه‌هاست که اجمالاً حاکی از وجود چنین پدیده‌ای است. در این گزارش که بر اساس اطلاعات اقتصادی خانوار تنظیم شده است، جمعیت کشور به سه خوشه با ۱۰ دهک تقسیم‌بندی شده است. خوشه اول، دهک اول تا چهارم؛ خوشه دوم، دهک پنجم تا هفتم و خوشه سوم، دهک هشتم تا دهم را شامل می‌شود. بر اساس این طرح، درآمد ماهانه سرانه خانواده شش نفری در خوشه یک، کمتر از ۴۷۳ هزار تومان است. خانوار شش نفره‌ای که درآمد ماهانه سرانه‌اش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است، در خوشه دوم قرار می‌گیرد. خانوار شش نفره‌ای که بیش از ۷۸۸ هزار تومان درآمد ماهانه سرانه داشته باشد، در خوشه سوم قرار می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۰).

برخی محققان، با مقایسه ارقام این گزارش‌ها با ارقام خطوط فقر برآورد شده توسط کارشناسان، بر قرار گرفتن بیش از ۷۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر اشاره می‌کنند.

شاهد سوم: طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، خط فقر کلیه خوشه‌ها، در مناطق روستایی و یا شهری، از



سال ۱۳۹۵ روندی افزایشی را طی نموده است؛ هرچند افزایش فقر در مناطق روستایی، شتاب بیشتری نسبت به مناطق شهری داشته است. این موضوع، حاکی از قرار گرفتن افراد بیشتری در زیر خط فقر در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال‌های قبل می‌باشد (سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، آذر ۱۳۹۶). شرایط داخلی کشور، حاکی از این است که طی سال‌های اخیر، این روند بر اثر سوءمدیریت‌های داخلی و دشمنی‌های خارجی رو به فزونی گذاشته است. در هر صورت، اگر از افزایش‌های بیش از پیش فقر در ایران، بر اثر کاهش ارزش پول ملی در سنوات اخیر و شدت یافتن تحریم‌ها نیز چشم‌پوشی شود، وضعیت فقر در کشور با وضعیت مطلوبی که قبلاً تصویر شد، بسیار فاصله دارد. وجود این فاصله، معلول علت‌های مختلفی است که بحث مفصلی را می‌طلبد و از حوصله این تحقیق خارج است. اما برای ارتقاء بخش خیریه و رسیدن به وضعیت مطلوب که همانا برابری عرضه و تقاضا، بلکه فزونی عرضه بر تقاضاست، می‌توان راهبردها و راهکارهای مناسبی را اتخاذ کرد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

### راهبردهای ارتقاء بخش خیریه به‌منظور رسیدن به وضعیت مطلوب

عدم گفتمان‌سازی انفاق قرآنی، عدم پابندی افراد و سازمان‌ها به رعایت قوانین الهی در بخشش، عدم توسعه‌یافتگی بخش خیریه، نواقص موجود در کیفیت تخصیص، نوع تخصیص و کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه، از جمله عواملی است که بخش خیریه کشور را با مازاد تقاضا مواجه کرده است. راهبردهای زیر می‌تواند با ارتقا بخشی به حوزه خیرخواهی، بخشی از مازاد تقاضا را کاهش داده و بر افزایش عرضه وجوه خیر تأثیر بگذارد. طبیعتاً تحقق بخشی به هریک از این راهبردها، در قالب ارائه راهکارهایی میسر خواهد شد.

### راهبرد اول: گفتمان‌سازی انفاق قرآنی

بر اساس آموزه‌های قرآنی، ضعف اعتقاد به مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال، ضعیف بودن ایمان افراد به عالم آخرت، خوش گمان نبودن به تحقق وعده‌های الهی، ضعف کرامت نفس، ترس از فقر و فلاکت و ضعف باور به امتحانات الهی، میزان انفاق را کاهش داده و موجب ازدیاد فقر می‌شود.

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با هدف تربیت نیروی انسانی و اصلاح جامعه اسلامی، مردم را به اکتساب و تقویت خداباوری، معادباوری، خوش‌گمانی و اعتماد به تحقق وعده‌های الهی، کرامت نفس، ترسیدن از فقر و ایمان به سنت آزمایش تشویق نموده‌اند. توجه به این ویژگی‌های تأثیرگذار، می‌تواند به بحث فرهنگ‌سازی برای ترویج و رونق بخش خیریه کمک شایانی کند. اگر فرهنگ‌سازی حوزه خیرخواهی به سمت تربیت افراد خداباور هدایت شود و جامعه بتواند افراد را در برخورداری از این صفات تقویت کند، می‌توان شاهد رشد و رونق روزافزون این نهاد بود (حسینی، بی‌تا، ص ۷۵-۸۳ و ۱۴۳-۱۶۶). در اینجا برای تحقق بخشی به این راهبرد، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

### ۱. ترویج باور به مالکیت اصیل خداوند

باور به مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال، انسان را تا سرحد بندگی حقیقی پیش خواهد برد و از خودگذشتگی مالی

را برای نفس سرکش هموار می‌کند (نور: ۳۳)؛ زیرا افراد اگر برای خودشان در آنچه خداوند به آنها ارزانی داشته، مالکیتی قائل نباشند، بخشش برایشان آسان می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۷). این اندیشه، نه تنها در دین مبین اسلام یکی از بنیادین‌ترین اندیشه‌هاست، بلکه در سایر ادیان آسمانی نیز وجود دارد. برای نمونه، تحقیقات نشان داده که یکی از علل بخشش زیاد مردم در آمریکا، نه وضع قوانین مشوق مالیاتی برای امور خیر، بلکه اعتقاد آنها به اندیشه وصایت (Stewardship) است. این اندیشه مسیحیت، در اسلام وجود داشته و دقیقاً مطابق کریمه «... وَ اتَّوَهُمْ مِنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...» (نور: ۳۳) است؛ مسیحیان معتقدند: اموالی که در دست دارند، از آن خداوند است و باری تعالی آنها را وصی خویش در رساندن این اموال به محرومان و فقرا قرار داده است (بوریس، ۱۳۸۶).

## ۲. تقویت روحیه معادباوری

ایمان به غیب و معادباوری، بخشش و ایثار و گذشتن از مال را برای انسان تسهیل کند (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۶؛ کلینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۰۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۳). از این رو، به هر میزان بتوان با ترویج فرهنگ اسلامی، روحیه معادباوری را در افراد جامعه زیاده‌تر کرد، طبیعتاً میزان انفاق در جامعه افزوده شده و نیازهای کاذب حذف می‌گردد.

## ۳. تقویت کرامت نفس

در گفتمان اسلامی کسی که دارای کرامت نفس باشد، بخشش برای او سهل و راحت می‌شود (تمیمی‌آمدی، ۱۳۸۷، ص ۶۲۹) و اموال و دارایی‌های او در پیش چشمش کوچک و پست می‌شوند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۲۰، ص ۲۵۳). بخشش، از طبیعت نیکو می‌جوشد (تمیمی‌آمدی، ۱۳۸۷، ص ۳۶). از این رو، با بذل و بخشش می‌توان بر کرامت شخص استدلال کرد (همان، ص ۸۰۰). بنابراین، در صورتی که کرامت نفس افراد در جامعه‌ای تقویت شود و سیاست‌گذاران با موانع نیل انسان‌ها به کرامت نفس مبارزه کنند، می‌توان از آن جامعه امید بخشش و نیکوکاری داشت.

## ۴. ترویج روحیه عدم ترس از فقر و فلاکت

شیطان همواره انسان را از فقر و نداری می‌هراساند. از این رو، هر میزان که تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی قرار گیرد، کمتر بخشش و خیرخواهی می‌کند (بقره: ۲۶۸). طبق روایات اسلامی کسی که از فقر بترسد، بخیل می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۸). نه بخل‌ورزی در حالت فقر برای انسان سودی به ارمغان می‌آورد و نه سخاوت در حالت دارایی به انسان ضرری می‌زند (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۷۰). با توجه به ماهیت عمومی انسان که طبعاً آساک‌کننده و بخیل است، اگر گنج‌های رحمت (بی‌انتهای) خداوند نیز به او اعطاء شود، باز هم از ترس فقر و خوف درویشی، بخل می‌ورزد (اسراء: ۱۰). طبق آموزه‌های دینی، اگر کسی اموالش را از ترس فقر ورثه انفاق نکند، خداوند وارثان او را فقیر خواهد کرد (زخرف: ۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۸۸۰). اگر کسی از فقر نهراسد و انفاق کند، خداوند تبارک و تعالی، خانه‌ای در بهشت را برایش عهده‌دار خواهد شد (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۱۴). بنابراین،

تقویت و ترویج روحیه عدم ترس از فقر، موجب سخاوت‌مندی انسان‌ها می‌گردد. با فرهنگ‌سازی مناسب و تبیین پیامدهای بخل در جامعه، می‌توان این روحیه را در جامعه نهادینه کرد و جامعه‌ای سخاوتمندتر ترویج کرد.

#### ۵. ترویج باور به وسیلهٔ آزمایش بودن فقیر

فقیر وسیله‌ای از وسائل آزمایش الهی و فرستاده‌ای از طرف خداوند قلمداد شده است. کسی که به او ببخشاید، در واقع به خداوند بخشیده است و کسی که او را رد نماید، خداوند را رد نموده است (نهج البلاغه، ح ۳۰۴؛ تیممی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۳۹). طبیعی است اگر افراد جامعه از این منظر به فقیر بنگرند و این گفتمان در جامعه نهادینه گردد، انفاق و خیرخواهی برای افراد جامعه سهل‌تر و ایثار برایشان راحت‌تر خواهد شد.

#### راهبرد دوم: توسعه‌دادن بخش خیریه

یکی از چالش‌های اساسی در بخش خیریه که موجبات کاهش عرضه وجوه خیر را فراهم می‌آورد، عدم توسعه‌یافتگی این بخش است. رفع این چالش، وابستگی مستقیم به میزان اهتمام مسئولان امر و سیاست‌گذاران بخش خیریه دارد. با اتخاذ راهکاری همچون حرفه‌ای کردن بخش خیریه، این بخش به سمت توسعه‌یافتگی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و موجبات ازدیاد عرضه وجوه خیر را در کشور فراهم می‌کند.

#### راهکار: حرفه‌ای کردن بخش خیریه

بسیاری از متخصصان حوزهٔ خیریه بر این نکته تأکید دارند که وجود یک بخش خیریه پیشرفته و توسعه‌یافته، از ملزومات رشد کمک‌های خیریه است. زمانی که سازمان‌های خیریه، مدیریت مالی مناسبی داشته باشند، به‌خوبی سازماندهی شوند و از تخصص‌های لازم در عملیات خود بهره‌مند باشند، آنگاه اهداءکنندگان، تمایل بیشتری برای اهداء کمک‌های خیریه پیدا می‌کنند. با افزایش تعداد افراد متخصص در امور خیریه در سازمان، از تعداد افراد داوطلب و غیرحرفه‌ای، میزان بوروکراسی، و فرایندهای رسمی کاسته شده و شاهد طرح ایده‌های حرفه‌ای برای افزایش اثربخشی سازمان خیریه خواهیم بود. میزان حرفه‌ای شدن سازمان‌های خیریه، الگوی ارتباط بین اهداءکنندگان و سازمان‌ها را تغییر می‌دهد. فعالیت‌های جذب کمک‌های خیریه به صورت حرفه‌ای انجام می‌شوند.

تعدادی از سازمان‌های خیریه بزرگ، متخصصان جذب سرمایه و کمک‌های خیریه را استخدام کرده و این افراد با شناسایی اهداءکنندگان احتمالی و انجام عملیات جذب کمک‌ها، به‌صورت حرفه‌ای و مؤثر به رشد کمک‌های خیریه جذب شده توسط سازمان کمک کرده‌اند. دانشگاه پنسیلوانیا، نمونه‌ای از حرفه‌ای شدن فرایند جذب کمک خیریه است (ویپکینگ و هندی، ۲۰۱۷، ص ۶۱۵). یکی دیگر از نشانه‌های حرفه‌ای شدن بخش خیریه، وجود سازمان‌هایی به‌عنوان نمایندهٔ سازمان‌های خیریه، همچون سازمان‌های چتری یا نماینده صنف سازمان‌های خیریه می‌باشد. سطح بالای همکاری و ارتباطات مؤثر بین همه فعالان بخش خیریه نیز یکی دیگر از ویژگی‌های حرفه‌ای شدن در این بخش است. ارتباط و همکاری مؤثر بخش خیریه، با رسانه‌های جمعی در شکوفایی این بخش بسیار مهم است (همان، ص ۶۱۵-۶۱۶).

### راهبرد سوم: بهبودبخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه

یکی از چالش‌های موجود در بخش خیریه که موجب کاهش عرضه وجوه خیر در کشور شده است، چالش‌های مربوط به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه است. اتخاذ راهکارهایی همچون ایجاد امکان مدیریت تخصیص توسط نیکوکار، نظارت توسط نیکوکار، نمایش اثربخشی و کاهش هزینه‌های تحقیق و راستی‌آزمایی، می‌تواند کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه را بهبود بخشد. همچنین، از طریق رعایت اولویت‌ها و ضرورت‌ها در بخشش، تخصیص وجوه خیرخواهانه به بخش‌های مداوم و مستمر، تنوع‌آفرینی در منابع تأمین مالی و روش‌های بخشش و فراگیر کردن موارد مصرف، می‌توان کیفیت تخصیص وجوه خیریه را ارتقا داد. ذیل این راهبرد، چند راهکار عملی وجود دارد:

#### ۱. فراهم آوردن امکان مدیریت تخصیص وجوه توسط نیکوکار

در الگوی تکافل اجتماعی صدر اسلام، تلاش بر این بود که افراد بدون واسطه به فقرا و نیازمندان کمک کند. این کار علاوه بر آثار تربیتی که بر خود نیکوکار می‌گذارد، آثار فراوان دیگری را نیز به همراه دارد (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۶۷). فراهم آوردن این امکان که شخص نیکوکار بتواند به صورت مستقیم و بی‌واسطه، وجوه خیرخواهانه خویش را مدیریت کند، بر افزایش میزان خیرخواهی و کار نیک تأثیر مثبتی خواهد داشت؛ زیرا به هر میزان که اشراف نیکوکار بر فرایند و نتیجه کار بیشتر باشد، انگیزه او برای بخشش، افزوده می‌شود. علاوه بر اینکه، به‌طور معناداری می‌تواند از فساد ناشی از وجود واسطه‌ها در بخش خیریه بکاهد.

#### ۲. فراهم آوردن امکان نظارت توسط نیکوکار

در بخشش‌های سازمانی، هر قدر میزان و درجه نظارت توسط نیکوکاران بیشتر شود، انگیزه بخشش در نیکوکاران افزوده می‌شود. اعتماد به نهادها و مؤسسات خیریه، در گرو نظارت نیکوکاران بر عملکرد آنهاست. اعتمادآفرینی در بخش خیریه، میزان بخشش را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد. این نظارت، ممکن است از طریق شفاف‌سازی اطلاعات و گزارشات مالی حاصل شود و یا از طریق دخیل کردن نیکوکاران، در بخشی از امور مربوط به توزیع کالا در میان نیازمندان. برخی از مؤسسات خیریه، این امکان را فراهم آورده‌اند که هرگاه نیکوکاران اراده کنند، بتوانند بر عملکردهای مالی مؤسسه دسترسی داشته و بر آن نظارت کنند، یا در مواردی این امکان فراهم شده تا سبدهای کالای تهیه شده توسط مؤسسه را با دستان نیکوکار به دست نیازمندان برسانند. مؤسسه خیریه امام باقر (ع) در قم، یک نمونه از این مؤسسات است.

#### ۳. فراهم آوردن امکان مشاهده اثربخشی

مطالعات پیمایشی نشان می‌دهد که اگر عایدی ناشی از کمک بیشتر باشد، تمایل به کمک در افراد بیشتر می‌شود (دویدیو، ۱۹۹۱) بکرز و ویکینگ (۲۰۱۱)، معتقدند: یکی از مکانیسم‌های اصلی برانگیزاننده رفتارهای خیریه در افراد، میزان سودمندی و تأثیر است. بنا بر این اصل، اگر نهادهای خیریه بتوانند مکانیسم‌هایی را اجرا نمایند که افراد

شخصاً بتوانند نتایج کارهای مثبت خود را مشاهده کنند، بخشش‌های سازمانی افزایش می‌یابد. اگر در بخش خیریه کشور، امکاناتی ایجاد شود که مؤسسه خیریه به‌طور مستمر، نتایج انفاق نیکوکاران را به‌طور مستند در معرض دید آنها قرار دهد یا اینکه فرد با بهره‌مندی از امکانات روز، شخصاً عملیات پرداخت به فقیر را انجام دهد و بهبود وضع فقیر را رصد نماید، آن‌گاه میزان انفاق در کشور افزایش می‌یابد.

#### ۴. کاهش هزینه‌های تحقیق و راستی‌آزمایی

نهادهای خیریه برای اینکه بتوانند به وظایف ذاتی خود عمل کنند، باید بخشی از اموال مؤسسه را برای تحقیق، تفحص، اجرای عملیات راستی‌آزمایی و عملیات تجمیع و تخصیص وجوه اختصاص دهند. هر قدر نهادهای خیریه بتوانند خدمات را ارزان‌تر به نیازمندان واقعی برسانند، خیرین انگیزه بیشتری به کمک‌رسانی پیدا می‌کنند. مطالعات پیمایشی نشان می‌دهد که اگر هزینه کمک نکردن زیاد باشد، یا اگر هزینه کمک کردن اندک و عایدی ناشی از آن زیاد باشد، تمایل به کمک در افراد بیشتر شده و کمک بیشتری می‌کنند (دویدیو، ۱۹۹۱). شاید بتوان علت این امر را در این حقیقت جست‌وجو کرد که همواره نیکوکاران از اینکه اموالشان به دست نیازمندان نرسد و تنها صرف امور اجرایی مؤسسات خیریه شود، در هراسند. به‌طور طبیعی، هر قدر هزینه‌های تحقیق و راستی‌آزمایی کاسته شود، میزان بخشش‌های سازمانی فزونی می‌یابد. تجربه‌های موفق در عرصه بین‌الملل در این زمینه وجود دارد. برای نمونه، مؤسسه خیریه کیوا که با استقبال چشمگیری مواجه شده است، توانسته صددرصد وجوه دریافتی از نیکوکاران را به نیازمندان برساند و هزینه‌های اجرایی را از طرق دیگر تأمین نماید (<https://kiva.org>).

#### ۵. رعایت اولویت‌ها و ضرورت‌ها در بخشش

در بخشش‌های سازمانی و یا بخشش‌های فردی، افراد همواره به دنبال این هستند که کمک‌های خود را در جایی مصرف کنند که از بیشترین اولویت برخوردار باشد. هر قدر افراد تشخیص دهند که موضوع انفاق از اولویت بیشتری برخوردار است، میزان بیشتری می‌بخشند. رمز موفقیت برخی از نهادهای خیریه در کشور، توجه به همین نکته بوده که بر موضوعی بسیار مهم تمرکز نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، بنیاد خیریه محک با تمرکز بر موضوع کودکان مبتلا به سرطانی، توانسته است حجم بسیاری از کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کند. اگر در مدیریت بخش خیریه کشور، انواع انقافات متناسب با تعداد استفاده‌کنندگان و سختی مشکلات درجه‌بندی شده و با توجه به درجه اولویت، خدمت‌رسانی‌ها انجام پذیرد، طبیعتاً حجم بخشش‌های مردمی افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال، اگر در بحث بهداشت و درمان، فقرا، بیماران صعب‌العلاج، بیماران کلیوی، بیماران سرطانی، بیماران خونی و بیماران ناشناخته را در اولویت قرار دهیم، این اولویت‌بندی در تخصیص وجوه، به مردم این اطمینان را می‌دهد که اهتمام مسئولان امر، برآوردن دغدغه به جای آنهاست؛ لذا حجم کمک‌های آنها افزایش می‌یابد.

#### ۶. تخصیص وجوه خیرخواهانه به بخشش‌های ملوام و مستمر

میل به جاودانه ماندن انسان‌ها، تأکیدات فراوان اسلام بر وقف و فضیلت قرض‌الحسنه بر صدقه، حاکی از این است

که انسان‌ها در صورتی که عمل خیر از دوام بیشتری برخوردار باشند، تمایل بیشتری به انجام آن پیدا می‌کنند. بنابراین، اتخاذ سازوکارهایی که مصرف مستقیم مبالغ اهدا شده مردم را به سرمایه‌گذاری اصل مال و مصرف عایدی آن تبدیل کند، می‌تواند مشوقی برای ازدیاد عمل نیک مردمی باشد. برای عینیت‌بخشی به این اصل کلی، نهادهای خیریه بزرگ می‌توانند بخشی از وجوه خیرخواهانه را مشروط به رضایت صاحبان وجوه سرمایه‌گذاری کنند و عوائد آن را بین نیازمندان توزیع کنند، تا خیرات از دوام بیشتری برخوردار گردد.

## ۷. تنوع‌آفرینی در منابع تأمین مالی

اسلام در بحث انفاق و نیکوکاری، منابع متعدد و روش‌های گوناگونی را مطرح کرده است: وجود زکات، صدقه، اطعام، قربانی، کفارات، وصیت، تعاون و قرض‌الحسنه تأییدی بر این مدعاست. استفاده از همه ظرفیت این حوزه، اقتضا می‌کند که نهادهای خیریه، به جای تمرکز بر منبع درآمدی خاص و تک‌محور بودن در تجمیع منابع، برای سایر منابع مورد نظر اسلام نیز برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند. مسلماً هر قدر تعداد این منابع بیشتر باشد، سلیقه‌های مختلفی جذب شده و میزان وجوه دریافتی مؤسسه فزونی خواهد یافت. از این‌رو، می‌توان گفت: در بخش‌های سازمانی، ارتباط مستقیمی بین تکثر منابع، تجمیع وجوه و میزان بیشتر کمک‌رسانی وجود دارد.

## بهبودبخشی به کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه

یکی دیگر از چالش‌های فراروی بخش خیریه که عرضه وجوه خیر را با کاهش مواجه کرده است، چالش‌های مربوط به جمع‌آوری وجوه خیریه است که می‌توان با اتخاذ راهکارهایی همچون گسترش تبلیغات و تهییج انگیزه‌ها، تخصیص و اعطاء تسهیلات و خدمات، تنوع‌بخشی به شیوه‌های ترغیب به بخشش و کاهش هزینه‌های عملیات اجرایی، بر این قبیل چالش‌ها فائق آمد و بخش خیریه را رونق بخشید. راهکارهای ذیل این راهبرد عبارتند از:

### ۱. گسترش تبلیغات و تهییج انگیزه‌ها

برانگیختگی‌های عاطفی به افزایش رفتارهای خیرخواهانه منجر می‌شود (کلت و مورسی، ۲۰۰۷). تبلیغات و تهییج انگیزه‌ها، همان‌طور که می‌تواند در کارهای تجاری و مالی، رونق‌آفرین باشد، در کارهای خیرخواهانه نیز می‌تواند افراد زیادی را به کار خیر تشویق کند. با تأثیرگذاری بر انگیزه‌ها و تهییج عواطف ایمانی و انسانی، می‌توان رونق بیشتری را در بخش خیرخواهی شاهد بود. این تأثیرگذاری، با تقویت آموزه‌های دینی و انسانی در افراد و از طریق فرهنگ‌سازی، راجع به اصل انفاق، اهمیت آن و ابعاد مختلف موضوع انفاق امکان‌پذیر است. تأثیرگذاری بر انگیزه‌ها، هر قدر در جامعه بیشتر رخ دهد، میزان انفاق افزایش می‌یابد.

### ۲. تخصیص و اعطاء تسهیلات و خدمات مختلف برای بخشش

هرچند در بسیاری از انسان‌ها، اصل انگیزه انفاق و انجام کار خیر وجود دارد، اما در برخی از موارد، افراد برای

عملیاتی کردن نیت، با مشکلات مادی مواجه می‌شوند. تخصیص و اعطا تسهیلات برای انفاق، می‌تواند به‌طور قابل توجهی گره از این قبیل مشکلات بگشاید. هر قدر انفاق و خیرخواهی در جامعه تسهیل گردد و انسان‌هایی که قصد کار خیر دارند، به سهولت بتوانند نیت خود را اجرایی کند، طبیعتاً میزان بخشش‌های انفرادی و سازمانی در کشور افزوده خواهد شد. برای نیل به این هدف، می‌توان با استفاده از شبکه بانکی کشور تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای را برای ترغیب هرچه بیشتر خیرین به امر خیر اختصاص داد. به‌عنوان نمونه، می‌توان از مصالای جامع شهر پردیس‌ان استان قم نام برد که با همکاری یکی از بانک‌های قرض‌الحسنه کشور، توانست با اعطا وام‌های قرض‌الحسنه به نیکوکاران، مبالغ سنگینی را برای احداث مصلی از اقشار متوسط و ضعیف جامعه جمع‌آوری کند.

### ۳. تنوع‌بخشی به شیوه‌های ترغیب به بخشش

با توجه به تنوع انسان‌ها در افکار و انگیزش‌ها، خداوند متعال در قرآن کریم، برای برانگیزاندن همه اقشار و گروه‌ها به انجام امور خیر، از شیوه‌های متنوع و متکثری بهره جسته است. در برخی موارد، با انداز نسبت به عواقب ترک انفاق تلاش کرده تا افراد را به انفاق تشویق کند (بقره: ۱۹۵ و ۲۵۴؛ منافقون: ۱۰). در برخی موارد، از طریق تحریک احساس، افراد را به انفاق تشویق کرده است (بقره: ۲۶۱ و ۲۶۵). در مواردی نیز از جاذبه منطقی بهره جسته است (بقره: ۲۷۳؛ منافقون: ۱۰؛ ذاریات: ۱۹). در موارد زیادی، تلاش شده تا از عنصر اطمینان‌بخشی در ترغیب افراد به انفاق استفاده شود (صف: ۱۰-۱۱؛ بقره: ۲۱۵، ۲۷۰، ۲۷۲ و ۲۷۴؛ توبه: ۱۲۱؛ تعاین: ۱۶؛ سبأ: ۳۹؛ انفال: ۶۰؛ رک: مسعودی‌پور و خیری، ۱۳۹۳). به کار بستن این شیوه در امر ترغیب خیرخواهی، می‌تواند بخش خیریه را رونق دهد.

### ۴. کاهش هزینه‌های عملیات اجرایی

در بخشش‌های سازمانی، عمده دغدغه نیکوکاران، ترس از هزینه‌کرد بخشش‌ها در هزینه‌های جاری و عمرانی مؤسسات خیریه است. طبیعی است که مؤسسات خیریه برای عملیاتی کردن اهداف مؤسسه، تجمیع اموال از اغنیا و تخصیص آن به فقرا، ملزم به هزینه کردن مبالغ زیادی می‌شوند و هر قدر حجم مؤسسه بزرگتر گردد، این مبلغ چشمگیرتر می‌گردد. روشن است که هر قدر مؤسسات خیریه بتوانند میزان هزینه‌های خویش را کاهش دهند، تمایل افراد به بخشش از طریق این مؤسسات افزایش می‌یابد. در کشورهای توسعه‌یافته، برای کنترل مؤسسات خیریه، برای این نسبت هزینه‌کرد، قانون سختگیرانه‌ای وجود دارد و اگر مؤسسات خیریه، پس از طی چهار سال اول شکل‌گیری، بیشتر از ۱۰ درصد از درآمد کل را صرف این قبیل هزینه‌ها کند، از لیست مؤسسات مشمول تشویق مالیاتی خارج می‌شوند. این دولت‌ها تلاش می‌کنند تا مؤسسات خیریه را بر اساس عملکردشان طبقه‌بندی نموده و به مردم معرفی کنند. به‌طور طبیعی، هر مؤسسه‌ای که امتیاز بالاتری را کسب کند در صدر جدول قرار گرفته و کمک‌های درمی‌یشتتری را دریافت می‌کند (ویپکینگ و هندی، ۲۰۱۷، ص ۱۷۴-۱۷۵).

یکی از راهکارهایی که مؤسسات خیریه برای غلبه بر این مشکل به کار می‌گیرند، استخدام نیروهای داوطلب

مردمی است. وجود فرهنگ تخصیص زمان یا وقف زمان در کشورهای توسعه یافته، به این مؤسسات کمک کرده تا بخش زیادی از هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی را از این طریق کاهش دهند.

*Archive of SID*

### رهیافت‌ها، نتایج و پیشنهادات

شواهد تاریخی موجود از زمان صدر اسلام، در زمینه کیفیت عرضه و تقاضای وجوه خیر در بخش خیریه، همچنین توصیفات روایات از کیفیت عرضه و تقاضای بخش خیریه در عصر مهدویت، حاکی از این است که وضعیت موجود کشور، فاصله بسیار زیادی با وضعیت مطلوب ترسیم شده در حوزه خیرخواهی دارد؛ زیرا در وضعیت مطلوب، به برابری عرضه و تقاضای وجوه خیر اکتفا نشده، بلکه باید وضعیتی وجود داشته باشد که عرضه وجوه خیر از تقاضای آن افزون‌تر باشد. این وضعیت، وضعیتی آرمانی و دست‌نیافتنی نیست؛ زیرا تجربه صدر اسلام، گواهی صادق بر محقق شدن این وضعیت در جامعه اسلامی است. در این مقاله، تلاش شد تا ضمن ارائه تصویری از وضعیت مطلوب و وضعیت موجود، راهبردهایی که می‌تواند به بهبود وضعیت موجود کمک نموده، آن را به وضعیت مطلوب نزدیک کند، به اختصار تشریح گردد. این راهبردها در قالب چهار راهبرد، و هر راهبرد در ضمن چند راهکار تبیین شده است.

### راهبرد اول: گفت‌وگوسازی انفاق قرآنی

راهکارها: در گفت‌وگوسازی قرآنی، ضعف باور به مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال، ضعیف بودن ایمان افراد به عالم آخرت، خوش‌گمان نبودن به تحقق وعده‌های الهی، ضعف کرامت نفس، ترس از فقر و فلاکت و ضعف باور به امتحانات الهی میزان انفاق را در جامعه کاهش می‌دهد. معصومین علیهم‌السلام با هدف تربیت نیروی انسانی و اصلاح جامعه اسلامی، با اتخاذ راهکارهایی همچون تقویت باور به مالکیت اصیل خداوند، تقویت روحیه معادباوری، اعتمادبخشی به تحقق وعده‌های الهی، خوش‌گمان کردن افراد به خداوند تبارک و تعالی، تقویت کرامت نفس، ترویج روحیه عدم ترس از فقر و فلاکت، ترویج باور به وسیله آزمایش بودن فقیر، توانستند این راهبرد را عملیاتی کنند.

### راهبرد دوم: توسعه بخش خیریه

راهکار: حرفه‌ای کردن بخش خیریه: بسیاری از متخصصان حوزه خیریه، بر این نکته تأکید دارند که وجود یک بخش خیریه پیشرفته و توسعه‌یافته، از ملزومات رشد کمک‌های خیریه است. برخی از معیارهای حرفه‌ای شدن سازمان، عبارتند از: عقلانی شدن سازمانی که خود را در برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان نشان می‌دهد، حسابرسی مالی مستقل، برنامه‌های ارزیابی عملکرد کمی. میزان حرفه‌ای شدن سازمان‌های خیریه، الگوی ارتباط بین اهداءکنندگان و سازمان‌ها را تغییر می‌دهد. یکی دیگر از نشانه‌های حرفه‌ای شدن بخش خیریه، وجود سازمان‌هایی به‌عنوان نماینده سازمان‌های خیریه همچون سازمان‌های چتری یا نماینده صنف سازمان‌های خیریه می‌باشد. سطح بالای همکاری و ارتباطات مؤثر بین همه فعالان بخش خیریه، یکی دیگر از ویژگی‌های حرفه‌ای شدن در این بخش است. ارتباط و همکاری مؤثر بخش خیریه، با رسانه‌های جمعی نیز در شکوفایی این بخش بسیار مهم است.



### راهبرد سوم: بهبودبخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه

راهکارها: فراهم آوردن امکان مدیریت تخصیص وجوه توسط نیکوکار، فراهم آوردن امکان نظارت توسط نیکوکار، فراهم آوردن امکان مشاهده اثر بخشی، کاهش هزینه‌های تحقیق و راستی‌آزمایی، رعایت اولویت‌ها و ضرورت‌ها در بخشش، تخصیص وجوه خیرخواهانه به بخشش‌های مداوم و مستمر، تنوع‌آفرینی در منابع تأمین مالی و فراگیر کردن موارد مصرف، از جمله راهکارهای بهبودبخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه است.

### راهبرد چهارم: بهبودبخشی به کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه

راهکارها: می‌توان با گسترش تبلیغات و تحریک انگیزه‌ها، تخصیص و اعطاء تسهیلات و خدمات مختلف برای بخشش، تنوع‌بخشی به شیوه‌های ترغیب به بخشش و کاهش هزینه‌های عملیات اجرایی، راهبرد چهارم را عملیاتی کرد. طبیعی است که عملیاتی شدن این راهبردها در جامعه، مسیر دستیابی بخش خیریه به نقطه مطلوب را هموارتر می‌کند.

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد، ۱۳۸۷ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق عزالدین محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث.

ابن زنجویه، حمید، ۱۴۰۶ق، الاموال، ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه.

ابن شعبه حرانی، ابومحمد، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، بی تا، مناقب آل ابی طالب، قم، المطبعة العلمیه.

ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۸۷، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بحث، تهران.

بوریس، الیزابت، ۱۳۸۶، «نهادهای واقعی و خیریه در آمریکا»، ترجمه صادق عبادی، میراث جاویدان، ش ۵۸، ص ۸۰-۹۵.

جهانیان، ناصر، ۱۳۹۵، «جایگاه وقف در اقتصاد بخش سوم»، اقتصاد اسلامی، ش ۶۲، ص ۷۹-۱۰۶.

حسن زاده سروستانی، حسین و همکاران، ۱۳۹۵، «تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت‌های خیرین»، در: همایش

ملی خیر ماندگار، تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

حسینی، سیدرضا، ۱۳۹۲، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

—، بی تا، انفاق، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.

حسینی، سیدرضا و مصطفی کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۸، «تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی»، جستارهای

اقتصادی، ش ۳۱، ص ۱۶۱-۱۹۴.

حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد، قم، آل‌البیت.

حیدری، محمدرضا و مرتضی درخشان، ۱۳۹۵، «تحلیل کارکردهای بخش سوم (امور خیریه و نیکوکاری)، در توسعه اقتصادی و

اشتغال»، در: اولین همایش ملی خیر ماندگار، تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۷، اقتصادنا، چ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۴ق، النخال، چ چهارم، قم، نشر اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، میزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۸ق، تفسیر مجمع البیان، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طغیانی، مهدی، ۱۳۹۵، اقتصاد وقف و امور خیریه، تهران، دانشگاه امام صادق.

طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، ۱۴۰۱ق، تهذیب الاحکام فی شرح المقننه، بیروت، دارالتعارف.

—، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم، دارالثقافه.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و محمدمنصور عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۵، «نقش وقف و امور خیریه و داوطلبگی بر فرایندهای اجتماعی»،

در: اولین همایش ملی خیر ماندگار، تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

قرضاوی، یوسف، ۱۳۹۰، نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران، احسان.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۹، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، بیروت، دار صعب و دارالتعارف.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت، الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد و سیدرضا حسینی، ۱۳۸۶، التعمیه الاقتصادیه فی الکتاب و السنه، قم، دارالحدیث.

محمدی، فاطمه، ۱۳۹۰، همشهری اقتصادی، کد خبر: ۱۹۹۰۸۸، دانلود ۹۱/۱۱/۲، <http://www.asriran.com/fa/news>

مرتب، یحیی و وحید یآوری، ۱۳۹۵، «بررسی چگونگی نظارت کارآمد بر نهادها و فعالیت‌های خیریه»، در: اولین همایش ملی خیر ماندگار،

تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

مرتضوی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۵، «مفهوم‌سازی شبکه ملی مؤسسات خیریه»، در: *اولین همایش ملی خیر ماندگار*، تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

مسعودی‌پور، سعید و بهرام خیری، ۱۳۹۳، «جاذبه‌های تبلیغاتی مطلوب در بازاریابی اجتماعی انفاق بر اساس آموزه‌های قرآنی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱، ص ۶۷-۹۷.

مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

مهدوی، سمیه و مهدی طغیانی، ۱۳۹۵، «شاخص‌های ارزیابی عملکرد بخش وقف و خیریه با استفاده از کارت امتیاز متوازن»، در: *اولین همایش ملی خیر ماندگار*، تهران، بنیاد خیریه راهبردی آلاء.

نکویی‌مقدم، محمود و همکاران، ۱۳۹۲، «نقش مؤسسات خیریه در نظام سلامت، یک مطالعه کیفی»، *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ش ۱، ص ۱-۱۰.

سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، <http://majlis.ir/fa>.

Bekkers, R., & Wiepking, P, 2011, "A Literature Review of Empirical Studies of Philanthropy: Eight Mechanisms That Drive Charitable Giving", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, No. 40, P 924-973, <https://doi.org/10.1177/0899764010380927>.

Dovidio, J. F, Piliavin, J. A, Gaertner, S. L.; Schroeder, D. A.; Clark III, R. D, 1991, "The Arousal: Cost-reward Model and the Process of Intervention", In: M. S. Clark (Ed.), *Review of Personality and Social Psychology*, P 86-118.

Wiepking, P & Handy, F, 2017, "The Palgrave Handbook of Global Philanthropy", Retrieved from <http://www.credoreference.com/book/macp>.